یادداشت

غصه سهام «نا»عدالت!

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

پرداخت نامنظم و ناقص سود سهام عدالت به یک رویه تبدیل شده و چون این سود غالباً برای افرادی است که تریبون‌های رنگارنگ در اختیار ندارند، صدای‌شان به جایی نمی‌رسد. همین نبود اهرم فشار باعث شده است شرکت‌ها یا کل سود را پرداخت نکنند یا فقط بخشی از آن را واریز کنند. این موضوع به طور مشخص ناشی از بی‌نظمی در برگزاری مجامع شرکت‌ها و همچنین ضعف در پیگیری‌های نهادهای نظارتی است. سهام عدالت؛ طرحی که روزی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و امیدبخش‌ترین طرح‌های اقتصادی و اجتماعی ایران‌مان بود، امروز وضعیت پرداخت سود و مدیریت آن بیش از هر چیز، نشان‌دهنده ناکارآمدی و ضعف‌های جدی در اجرای این طرح و مهم است.

اواسط دهه ۸۰، دولت وقت با هدف کاهش فقر و توزیع عادلانه ثروت، طرح سهام عدالت را معرفی کرد. این طرح وعده داد که اقشار کم‌درآمد و متوسط جامعه بتوانند بخشی از اقتصاد کشورمان را در اختیار داشته باشند و از سود فعالیت شرکت‌های دولتی بهره‌مند شوند. ایده این بود سهام را به مردم بدهیم تا سهمی در اقتصاد کشور داشته باشند، با اجرای این طرح، حدود ۴۹میلیون نفر در سراسر کشور سهام عدالت دریافت کردند. ارزش سهام بسته به گروه‌های مختلف، از ۴۹۲هزار تومان تا بیش از یک‌میلیون تومان بود. این طرح با این امید شکل گرفت که سهامداران، نه تنها سود نقدی دریافت کنند، بلکه از طریق آزادسازی سهام، امکان فروش یا سرمایه‌گذاری دوباره داشته باشند، به عبارتی سهام عدالت قرار بود پلی برای ورود میلیون‌ها ایرانی به دنیای اقتصاد سهامی و مشارکتی باشد، اما گذشت زمان نشان داد این رؤیا چندان هم ساده و قابل تحقق نیست. مشکلات متعدد مدیریتی، نظارتی و ساختاری، سد راه پرداخت سود بموقع و کامل شد و بسیاری از سهامداران امروز با سؤال‌هایی ساده اما حیاتی روبه‌رو هستند که سودمان کجاست؟ چرا دیر پرداخت می‌شود؟ آیا این طرح واقعاً عدالت اقتصادی را محقق کرده است؟ یکی از بزرگ‌ترین مشکلات سهام عدالت، تأخیرهای مکرر در پرداخت سود است. این تأخیرها که امروز به رویه‌ای عادی تبدیل شده‌اند، به دلیل چند عامل بنیادی است:

۱. ضعف در مدیریت شرکت‌های سرمایه‌پذیر: شرکت‌هایی که سهام‌شان در بسته‌های سهام عدالت قرار دارد، عمدتاً شرکت‌های بزرگ دولتی و شبه‌دولتی هستند. این شرکت‌ها در برخی موارد در برگزاری مجامع عمومی بموقع و شفاف دچار ضعف هستند. مجامع به عنوان محلی برای تصویب صورت‌های مالی و تعیین سود نقدی نقش کلیدی دارند. تأخیر یا عدم‌برگزاری مجامع، روند پرداخت سود را به عقب می‌اندازد.

۲. ناهماهنگی و نظارت دقیق نهادهای مرتبط: شورای عالی بورس و سازمان بورس به عنوان نهادهای ناظر باید بر عملکرد شرکت‌ها و شرکت‌های استانی سهام عدالت نظارت کنند، اما گزارش‌ها نشان می‌دهد بسیاری از شرکت‌های استانی یا حتی کلان شرکت‌ها در پیگیری حقوق سهامداران ضعیف عمل کرده‌اند و نهادهای ناظر نتوانسته‌اند به شکل مؤثر این تعلل‌ها را جبران کنند.

۳. مشکلات مالی و اقتصادی شرکت‌ها: در برخی موارد مشکلات مالی یا عملیاتی شرکت‌ها نیز باعث شده است پرداخت سود با تأخیر مواجه شود، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد این مورد بخش کوچکی از مشکل است و بیشتر مشکل از ضعف مدیریتی و نظارتی ناشی می‌شود. پرداخت ناقص سود سهام عدالت به همان اندازه تأخیرها بحران‌ساز شده است. این موضوع به معنای این است که حتی وقتی سود پرداخت می‌شود، مبلغ کامل به حساب سهامداران واریز نمی‌شود. این کمبود یا برداشت‌های غیرشفاف، سبب کاهش اعتماد عمومی به طرح شده و عده‌ای از سهامداران به دلیل عدم‌اطلاع یا نداشتن تریبون و رسانه، امکان پیگیری حقوق خود را ندارند. در سال ۱۴۰۲، به عنوان نمونه، تعدادی از شرکت‌های سرمایه‌پذیر در نوبت اول پرداخت سود تعلل کردند و همین موضوع باعث شد بخش عمده‌ای از سود به تعویق بیفتد و بخش دیگری ناقص پرداخت شود. این وضعیت در سال ۱۴۰۳ نیز تکرار شد و همچنان پرداخت سودهای مربوط به سال مالی ۱۴۰۲ ناقص و نامنظم است.

مشکل اساسی این است که سهام عدالت بیشتر به یک محصول دولتی و غیرشفاف تا به یک ابزار واقعی مشارکت مردمی در اقتصاد تبدیل شده است. سیاستگذاران باید بپذیرند که بدون بازسازی‌های ساختاری جدی، این طرح نمی‌تواند به اهداف اولیه خود برسد. سهام عدالت هنوز هم می‌تواند ابزاری ارزشمند برای عدالت اقتصادی باشد، به شرطی که مسئولان با جدیت و شفافیت به بازسازی‌های ساختارها بپردازند. مردم عادی و سهامداران این طرح، نه فقط به عنوان دریافت‌کنندگان سود بلکه به عنوان بخشی از اقتصاد کشور، حق دارند حقوق‌شان بموقع و کامل پرداخت شود و از مدیریت شفاف برخوردار باشند.

با وجود تمامی ضعف‌ها و مشکلات موجود در روند پرداخت سود سهام عدالت، هنوز نمی‌توان و نباید نسبت به کل فلسفه و هدف این طرح ناامید شد. سهام عدالت، در ذات خود، یک ابتکار بزرگ و یک ایده جسورانه برای تحقق عدالت اقتصادی است؛ طرحی که می‌تواند میلیون‌ها نفر را از دایره صرفاً مصرف‌کنندگان به بازیگران فعال اقتصادی تبدیل کند. این طرح نشان داد می‌توان به اقشار ضعیف و متوسط جامعه سهمی از سرمایه‌های ملی اختصاص داد و از آنها سهامداران واقعی ساخت، اما مشکل اصلی امروز، به نظر می‌رسد نه در خود هدف و فلسفه سهام عدالت، بلکه در نحوه مدیریت و اجرای آن است. مشکلات مدیریتی، ضعف نظارتی، بی‌توجهی به شفافیت و ناهماهنگی میان نهادهای مرتبط، سد اصلی در مسیر تحقق کامل اهداف سهام عدالت شده‌اند. اگرچه مشکلات مالی شرکت‌های سرمایه‌پذیر نیز در برخی موارد به ایجاد اختلال در پرداخت سود سهام عدالت کمک کرده‌اند، اما شواهد و گزارش‌ها نشان می‌دهد مشکل اصلی در ضعف مدیریت و ساختارهای نظارتی است. پرداخت نامنظم و ناقص سودها بیشتر ناشی از عدم‌برگزاری بموقع مجامع، تأخیر در تصویب صورت‌های مالی و کم‌کاری شرکت‌های استانی و نهادهای نظارتی است.

نکته مهم آن است که سهام عدالت به عنوان یک طرح اجتماعی و اقتصادی، با تمام مشکلات اجرایی‌اش، می‌تواند در مسیر عدالت اقتصادی حرکت کند. این طرح، حتی در شرایط فعلی نیز فرصتی بی‌بدیل برای توانمندسازی اقتصادی طبقات پایین و متوسط است. دولت و نهادهای مسئول باید بدانند که این فرصت را نباید از دست بدهند. هر گونه بی‌توجهی به بهبود مدیریت و شفاف‌سازی، نه تنها باعث ناکارآمدی بیشتر خواهد شد، بلکه می‌تواند سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم را به شدت کاهش دهد. اگرچه مشکلات موجود جدی هستند، اما با اراده جدی و برنامه‌ریزی دقیق می‌توان آنها را حل کرد. اولین گام، پذیرش این واقعیت است که مشکل سهام عدالت ریشه در ضعف مدیریت و نظارت دارد، نه در خود هدف و فلسفه این طرح. با ایجاد ساختارهای نظارتی قوی‌تر، تضمین برگزاری بموقع مجامع شرکت‌ها و شرکت‌های استانی و تسهیل دسترسی مردم به اطلاعات شفاف، می‌توان به تدریج روند پرداخت سود را به حالت مطلوب بازگرداند. جان کلام آنکه سهام عدالت، باوجود مشکلات و کاستی‌هایش، هنوز یک مسیر امیدبخش برای عدالت اقتصادی است. ناامیدی از این طرح به معنای ناامیدی از عدالت اجتماعی است.

گزارش

بهناز قاسمی

جنگ «فناوری» در بازار لوازم خانگی

حرکت کشورمان به سمت بومی‌سازی فناوری‌های مختلف از جمله در صنعت لوازم خانگی با سنگ‌اندازی کشورهای مختلف، حتی چین مواجه است و این روند نشان می‌دهد شتاب این مسیر یک ضرورت است

ایوب قادری | باشگاه خبرنگاران جوان

اتفاقی که در هفته‌های اخیر برای تلویزیون‌های هوشمند دوو و اسنوا رخ داد، مصداق بارز جنگ نرم‌افزاری در بازار لوازم خانگی است؛ جنگی که نشان می‌دهد دستیابی به ساحت‌های جدید فناوری در این صنعت بدون هزینه نیست و کشورهای رقیب حتی با اقدام کثیف از کار انداختن جعبه‌های جادویی خانه‌های مردم با آن مقابله خواهند کرد؛ کاری که یک شرکت چینی با گروه لوازم خانگی «انتخاب» کرد تا ثابت کند حرکت کشورمان به سمت توسعه بومی‌سازی فناوری‌های متنوع از جمله در لوازم خانگی یک ضرورت است و در حد امکان باید برای توسعه آن تلاش کرد تا وابستگی به کشورهای مختلف به حداقل برسد. اینکه استقلال کشورمان در تولیدسکوهای (پلتفرم‌های) هوشمند تلویزیون و قطع این منبع درآمد برای شریک چینی خوشایند نبود و به چنین کاری اقدامی کرده، مصداق ضرورت داشتن دست برتر در جنگ فناوری است.

■■■

در دنیای امروز، فناوری دیگر صرفاً تولید قطعات سخت‌افزاری نیست. نرم‌افزار، داده و پلتفرم‌های هوشمند، رکن‌های اصلی هر محصول نوینی هستند که بتواند در بازارهای رقابتی دوام بیاورد و جایگاه خود را تثبیت کند. این موضوع به‌خصوص در حوزه لوازم خانگی که هر روز بیش از پیش با فناوری‌های هوشمند ترکیب می‌شود، اهمیت مضاعفی دارد. صنعت لوازم خانگی کشورمان طی سال‌های اخیر تلاش گسترده‌ای کرده است وابستگی خود را به فناوری‌های خارجی کاهش دهد و به سمت بومی‌سازی حرکت کند.

حرکت به سوی بومی‌سازی فناوری‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری به این معناست که نه تنها اجزای فیزیکی، بلکه مغز متفکر محصولات یعنی نرم‌افزار و مدیریت داده‌ها نیز در داخل کشور تولید و کنترل شود.

■ **چرا بومی‌سازی فناوری مهم است؟**

بومی‌سازی فناوری به معنای داشتن استقلال در تولید، توسعه و به‌روزرسانی محصولات است.

وقتی یک کشور یا شرکت بتواند بخش‌های مهمی از فناوری مورد نیاز خود را در داخل طراحی و تولید کند، در برابر فشارهای خارجی، تحریم‌ها و مشکلات تأمین خارجی مقاوم‌تر خواهد بود. اگر در نرم‌افزار و زیرساخت‌های مرتبط، وابسته به شرکای خارجی باشیم، هرگونه اختلاف یا مشکل در روابط تجاری می‌تواند به طور مستقیم عملکرد محصولات ما را مختل کند. این اتفاق دقیقاً برای گروه انتخاب و تلویزیون‌های هوشمندش رخ داد.

■ **داستان تلویزیون‌های هوشمند گروه «انتخاب»**

حدود چهار سال پیش، گروه صنایع لوازم خانگی انتخاب تصمیم گرفت برای تلویزیون‌های هوشمند خود یک سیستم عامل و پلتفرم نرم‌افزاری بومی به نام «DONE» توسعه دهد. هدف اصلی این پروژه، کنترل کامل بر نرم‌افزار تلویزیون، تطبیق آن با نیازهای فرهنگی و فنی ایران اسلامی و در نهایت کاهش وابستگی به نرم‌افزارهای چینی بود.

غلامحسین کسایی، مدیرعامل گروه «انتخاب» در این باره گفته است: «هدف ما بومی‌سازی نرم‌افزار تلویزیون بود تا بتوانیم خدمات بهتری به مشتریان ایرانی ارائه کنیم و از طرفی کنترل کامل نرم‌افزار را در اختیار داشته باشیم.»

این حرکت با واکنش شدیدی از سمت شریک چینی که پیش از این تأمین‌کننده اصلی نرم‌افزار بود، مواجه شد.

وقتی گروه انتخاب کنترل نرم‌افزار را در دست گرفت، شریک چینی که این درآمد را از دست می‌داد، اقدامی غیرحرفه‌ای انجام داد؛ یک آپدیت مخرب نرم‌افزاری که باعث شد تلویزیون‌های هوشمند غیرقابل استفاده شوند، این عمل نه فقط به گروه انتخاب بلکه به کل صنعت و مشتریان آسیب زد و توجه عمومی را به مسئله بومی‌سازی فناوری جلب کرد.

اینجاست که اهمیت بومی‌سازی نرم‌افزار و مالکیت داده بیش از پیش آشکار می‌شود.

■ **پیامدهای وابستگی نرم‌افزاری**

وابستگی به یک شریک خارجی در هر بخش نرم‌افزاری می‌تواند به ابزاری برای فشار و حتی تخریب تبدیل شود. چنین وابستگی‌هایی علاوه بر مشکلات اقتصادی، می‌توانند به تهدیدی برای امنیت ملی و فناوری تبدیل شوند. مدیرعامل گروه صنایع لوازم خانگی انتخاب تأکید کرده است که این حرکت شریک چینی نه به خاطر مشکلات مالی بلکه به دلیل تلاش گروه انتخاب برای خودکفایی و استقلال نرم‌افزاری بوده است.

با وجود اینکه فقط حدود ۵درصد تلویزیون‌های هوشمند گروه انتخاب دچار مشکل شدند، اما همین میزان کافی بود تا بازار و اعتماد مصرف‌کنندگان را تحت تأثیر قرار دهد. این بحران نشان داد که اگر کنترل نرم‌افزار و به‌روزرسانی‌ها در دست تولیدکننده نباشد، کوچک‌ترین مشکل می‌تواند به بحران بزرگی تبدیل شود.

گروه انتخاب بلافاصله پس از وقوع بحران، تمامی منابع فنی خود را بسیج کرد تا مشکل را برطرف کند. با تلاش تیم فنی داخلی و شرکت دانش‌بنیان، آپدیت جدیدی توسعه یافت که این بار کاملاً بومی و پایدار بود و مشکل را به طور کامل رفع کرد، همچنین خدمات پس از فروش به صورت رایگان برای همه مشتریان آسیب‌دیده، حتی کسانی که دستگاه‌شان خارج از دوره گارانتی بود، ارائه شد. بیش از ۳هزار تکنیسین در سراسر کشور مشغول خدمت‌رسانی شدند تا مشکل را از طریق آپدیت خودکار، راهنمایی تلفنی یا مراجعه حضوری حل کنند.

کسایی درباره این موضوع گفته است: «تعهد ما به مشتریان فراتر از قراردادهای گارانتی است و تلاش می‌کنیم اعتماد از دست رفته را بازگردانیم.»

■ **درس‌های این تجربه برای صنعت**

این اتفاق نشان داد بومی‌سازی فناوری باید در اولویت تمام صنایع کشور قرار گیرد، به خصوص صنایعی که به فناوری‌های نوین و نرم‌افزارهای پیچیده وابسته‌اند. موفقیت در بومی‌سازی نرم‌افزار به معنای کاهش ریسک‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی است. این موفقیت همچنین باعث ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر، افزایش ظرفیت‌های دانش‌بنیان و حرکت به سمت صادرات فناوری می‌شود، اما برای رسیدن به این هدف، باید زیرساخت‌های لازم فراهم و هماهنگی بین بخش‌های دولتی، خصوصی و علمی برقرار شود. این گروه اعلام کرده است پس از این تجربه، رویکرد تأمین قطعات و همکاری با شرکای خارجی خود را بازنگری و به سمت تنوع تأمین‌کنندگان و افزایش توان داخلی حرکت خواهد کرد. در سطح کلان‌تر این تجربه می‌تواند الگویی برای سایر صنایع و شرکت‌های فناوری کشور باشد تا به ضرورت سرمایه‌گذاری در حوزه نرم‌افزار و مالکیت داده‌ها پی ببرند و این مسیر را با سرعت بیشتری ادامه دهند.

■ **چرا باید شتاب گرفت؟**

شاید مهم‌ترین درس این بحران این باشد که بومی‌سازی فناوری فقط یک گزینه نیست، بلکه یک ضرورت استراتژیک برای حفظ استقلال فناوری و توسعه پایدار کشور است. در شرایط جهانی که رقابت‌های فناوری با سرعت بالا در جریان است و کشورها در حال تسخیر بازارهای فناوری هستند، تکیه صرف بر واردات یا مونتاژ محصول بدون توسعه زیرساخت‌های نرم‌افزاری و بومی‌سازی کامل، به معنای از دست دادن فرصت‌ها و حتی خطر وابستگی بیشتر است. برای موفقیت در این مسیر، نقش سیاستگذاری و حمایت دولت بسیار حیاتی است. حمایت‌های مالی، ایجاد فضای کسب‌وکار مناسب، تشویق همکاری بین دانشگاه‌ها و صنعت و تدوین قوانین حمایتی می‌تواند روند بومی‌سازی را سرعت بخشد. دولت باید به‌عنوان تسهیل‌کننده و حامی، بسترهای لازم را برای رشد فناوری‌های بومی فراهم و از تولیدکنندگان داخلی در برابر فشارهای خارجی دفاع کند.

تجربه تلویزیون‌های هوشمند گروه «انتخاب» هشدار مهمی برای همه بخش‌های صنعتی کشور است؛ بومی‌سازی فناوری‌های نرم‌افزاری و مالکیت داده‌ها نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت انکارناپذیر است. این بحران در عین تلخی، فرصتی بزرگ پیش روی صنعت لوازم خانگی قرار داد و کشورمان به سمت بهره‌گیری از فناوری تلویزیون‌های تعاملی در حال حرکت است.

جوابیه شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور به «جوان»:

هدررفت فیزیکی آب در شبکه‌های توزیع حدود ۱۵درصد است

جوابیه

پیرو انتشار یادداشت «جوان» با عنوان «اعتماد مردم را آب نکنید»، مورخ ۱۴۰۴/۴/۲۱، روابط عمومی شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور با ارسال جوابیه‌ای اعلام کرد:

این شرکت در موضوع هدررفت آب از استانداردهای انجمن بین‌المللی آب iwa استفاده می‌کند و با پیاده‌سازی این استاندارد در کشور ایران از سال ۱۳۸۵ تاکنون موفق شده است میزان هدررفت آب در شبکه‌های توزیع را به طور قابل توجهی کنترل و کاهش دهد.

در حال حاضر هدررفت فیزیکی آب در شبکه‌های توزیع ایران در حدود ۱۵درصد است که از میانگین آن در کشورهای در حال توسعه پایین‌تر است.

به استناد آمار بانک جهانی میانگین هدررفت فیزیکی در کشورهای در حال توسعه ۱۶درصد می‌باشد.

سالانه و به منظور کاهش هدررفت آب اقدامات متعددی در شرکت‌های آب و فاضلاب با سرفصل‌های زیر انجام می‌شود:

-اصلاح و بازسازی شبکه فرسوده
استانداردسازی انشعابات آب
نشت یابی و رفع نشت
مدیریت فشار آب
تعویض کنتورهای خراب مشترکین

کاهش هدررفت آب فعالیتی بسیار پر هزینه می‌باشد، به طوری که برآوردها نشان می‌دهد جهت کاهش یک‌درصد هدررفت آب در کشور سالانه اعتباری معادل ۲۲هزارمیلیارد تومان مورد نیاز است.

دعوت از فعالان صنایع تبدیلی برای تقویت زنجیره ارزش محصولات کشاورزی

کشاورزی

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با صدور اطلاعیه‌ای از فعالان بخش صنایع تبدیلی و تکمیلی برای مشارکت در طرح تقویت زنجیره ارزش محصولات کشاورزی دعوت به همکاری کرد. این اقدام با هدف حمایت از اشتغال و توسعه پایدار بخش کشاورزی، به‌ویژه در حوزه محصولات انجیر و صیفیجات شهرستان‌های پلدختر و معمولان برنامه‌ریزی شده است.

طبق اطلاعیه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، این طرح با همکاری بانک توسعه تعاون و با تمرکز بر ارتقای توانمندی‌های تولیدکنندگان و ایجاد حلقه‌های تکمیلی در فرایند تولید، توزیع و مصرف محصولات کشاورزی اجرا خواهد شد. وزارت کار در این اطلاعیه اعلام کرده است که یکی از اولویت‌های اصلی، حمایت از صنایع تبدیلی و تکمیلی است تا ارزش افزوده محصولات افزایش یابد و بازارهای هدف گسترده‌تری برای کشاورزان فراهم شود.

در این طرح، تقویت زنجیره ارزش به معنای ایجاد و ارتقای فرایندهایی است که محصول خام را به کالایی با ارزش اقتصادی بیشتر تبدیل می‌کند.

این فرایند می‌تواند شامل بسته‌بندی بهداشتی، فرآوری، نگهداری طولانی‌مدت یا حتی بازاریابی نوین باشد.

به گفته کارشناسان، چنین اقداماتی علاوه بر ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، می‌تواند باعث جلوگیری از هدررفت محصولات کشاورزی، بهبود کیفیت عرضه و افزایش درآمد کشاورزان شود.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اطلاعیه خود تأکید کرده است که فعالان صنایع تبدیلی و تکمیلی علاقه‌مند به حضور در این پروژه، باید درخواست همکاری خود را به همراه اطلاعات کامل شامل مشخصات کارخانه، ظرفیت‌های تولیدی، سوابق کاری و معرفی یک نماینده مطلع و تام‌الاختیار، حداکثر تا تاریخ پنجم شهریور ۱۴۰۴ به نشانی ایمیل vasl@mcls.gov.ir ارسال کنند.

در این اطلاعیه همچنین آمده است: درخواست‌هایی که فاقد اطلاعات مورد نیاز باشند، قابل بررسی نخواهند بود. این شرط برای اطمینان از ارزیابی دقیق توانمندی‌ها و انتخاب بهترین گزینه‌ها در نظر گرفته شده است.

یادداشت میهمان

علی صحبتی | کارشناس بازارهای مالی

چشم‌انداز قیمت اونس جهانی و بازار طلا

در شرایط کنونی اقتصاد جهانی، مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، سیاسی و ساختاری در حال شکل‌دهی به مسیر آتی بازار طلا و نرخ برابری دلار هستند. برآوردها نشان می‌دهد طی سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶، این عوامل می‌توانند به‌صورت معناداری بر قیمت اونس جهانی و بازار طلای داخلی تأثیرگذار باشند.

۱. سیاست‌های پولی فدرال رزرو و نرخ بهره: یکی از مهم‌ترین محرک‌های احتمالی افزایش قیمت طلا، تغییرات سیاست پولی فدرال رزرو و به‌ویژه احتمال کاهش نرخ بهره در اواخر سال ۲۰۲۵ و اوایل ۲۰۲۶ است. تجربه‌های گذشته نشان داده است کاهش نرخ بهره، هزینه نگهداری طلا را کاهش داده و موجب افزایش تقاضا برای این فلز گرانبها می‌شود. در شرایط نرخ بهره پایین، بازده سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالی کم‌ریسک نظیر اوراق قرضه و سپرده‌های بانکی کاهش یافته است و سرمایه‌ها به سمت دارایی‌های امنی همچون طلا هدایت می‌شود. کاهش نرخ بهره معمولاً زمانی اجرا می‌شود که تورم به سطح هدف‌گذاری‌شده نزدیک شده و رشد قیمت‌ها کنترل شده باشد. این اقدام، از طریق کاهش هزینه تأمین مالی، به تحریک فعالیت‌های اقتصادی کمک می‌کند اما در عین حال با تضعیف ارزش دلار، به رشد قیمت اونس جهانی منجر می‌شود.

۲. ضعف دلار و پیامدهای آن: در سال ۲۰۲۵، ارزش دلار امریکا روند نزولی را تجربه کرد و پیش‌بینی می‌شود این روند در سال ۲۰۲۶ تشدید شود.

دلایل اصلی این تضعیف عبارتند از: سیاست‌های تجاری انحصارگرایانه و اعمال تعرفه‌های وارداتی امریکا، حمایت بیش از حد از تولیدات داخلی، افزایش کسری بودجه و بدهی ملی، مشکلات تراز مالی، خروج سرمایه‌گذاران خارجی از بازارهای امریکا و انتظارات کاهش نرخ بهره. مجموع این عوامل فشار مضاعفی بر ارزش دلار وارد کرده و با توجه به قیمت‌گذاری جهانی طلا بر اساس دلار، موجب افزایش قیمت این فلز شده است. در صورت تداوم ضعف رشد اقتصادی ایالات متحده و افزایش بدهی‌های دولت، کاهش ارزش دلار تقریباً اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

۳. نااطمینانی‌های ژئوپلیتیکی: افزایش نااطمینانی‌های ژئوپلیتیکی، یکی دیگر از محرک‌های اصلی رشد قیمت طلا در افق پیش‌رو محسوب می‌شود.

مهم‌ترین رویدادهای محتمل عبارتند از: احتمال تشدید درگیری‌های نظامی بین روسیه و ناتو، افزایش تنش‌های سیاسی و اقتصادی میان چین و امریکا، گسترش حملات سایبری در سطح بین‌المللی، افزایش چشمگیر هزینه‌های دفاعی در نشست ناتو (اوایل ۲۰۲۵)، خطر مسدودشدن تنگه هرمز. چنین شرایطی، مشابه تجربیات پیشین، موجب تقویت جایگاه طلا به‌عنوان پناهگاه امن سرمایه می‌شود.

۴. رشد اقتصادی جهانی و اثرات آن: داده‌های تاریخی از سال ۱۹۶۰ تاکنون نشان می‌دهد به جز دوره‌های رکود، روند رشد اقتصادی جهان به‌طور پیوسته کندتر شده است.

بر اساس گزارش‌های بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۵ به ترتیب ۲/۳درصد، ۲/۸درصد و ۲/۹درصد برآورد می‌شود که نسبت به سال ۲۰۲۴ بین ۰/۴ تا ۰/۹ واحد درصد کاهش یافته است.

پیش‌بینی‌ها برای سال ۲۰۲۶ نیز حاکی از استمرار رشد پایین اقتصادی است. این وضعیت، به‌طور سنتی به افزایش تمایل سرمایه‌گذاران به طلا منجر می‌شود.

۵. عوامل ساختاری بازار طلا: در بُعد عرضه، بانک‌های مرکزی جهان در سال ۲۰۲۴ و ابتدای ۲۰۲۵ روند خرید طلا را افزایش داده‌اند. این رویکرد به‌ویژه در کشورهایی که به دنبال کاهش وابستگی ارزی به دلار هستند، نمود بیشتری یافته است و تداوم آن می‌تواند به تثبیت و حتی رشد قیمت طلا منجر شود. از منظر تولید، سال ۲۰۲۵ به‌عنوان نقطه اوج استخراج طلا برآورد شده است، با این حال در سال ۲۰۲۶ احتمال ورود صنعت معدن‌کاری به رکود وجود دارد. کاهش تولید ناشی از بسته شدن معادن قدیمی، افت عیار ذخایر و سرمایه‌گذاری ناکافی در پروژه‌های جدید، می‌تواند عرضه طلا را محدود و فشار افزایشی بر قیمت‌ها ایجاد کند.

۶. ارتباط بازار نفت و طلا: رشد قیمت نفت در سال ۲۰۲۶ نیز به‌عنوان عامل مکمل افزایش قیمت طلا مطرح است. افزایش بهای نفت معمولاً در بستر تنش‌های سیاسی و امنیتی در مناطق نفت‌خیز جهان رخ می‌دهد. با توجه به ناآرامی‌ها و تحولات ژئوپلیتیکی سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵، تداوم یا تشدید این روند در سال ۲۰۲۶ محتمل است و می‌تواند به‌طور غیرمستقیم موجب افزایش قیمت طلا شود.

■ **چشم‌انداز**

با در نظر گرفتن مجموعه عوامل اقتصادی (نرخ بهره پایین، ضعف دلار، رشد اقتصادی محدود، بدهی‌های بالا)، ژئوپلیتیکی (تنش‌های بین‌المللی، ناامنی‌های سایبری، درگیری‌های منطقه‌ای) و ساختاری (الگوی تولید و تقاضای بانک‌های مرکزی) پیش‌بینی می‌شود بازار طلا در اواخر سال ۲۰۲۵ (اواخر پاییز ۱۴۰۴) و طول سال ۲۰۲۶ (۱۴۰۴-۱۴۰۵) با چشم‌انداز صعودی مواجه باشد. بر این اساس، طلا نه تنها به‌عنوان ابزار پوشش ریسک بلکه به‌عنوان یک دارایی استراتژیک و بلندمدت در سبد سرمایه‌گذاران جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت.

خبر

۵هزار مگاوات برق تجدیدپذیر طی یک سال وارد مدار می‌شود

طبق گفته رئیس ساتبا، این سازمان برنامه‌ریزی کرده است طی یک سال آینده، ۵هزار مگاوات ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر وارد مدار شود که ۲هزار مگاوات آن به نیروگاه‌های بزرگ مقیاس و شناور اختصاص دارد.

همزمان با ۲۱ مردادماه، روز حمایت از صنایع کوچک، مراسم آغاز عملیات اجرایی و بهره‌برداری از مجموعه‌ای از پروژه‌های بزرگ نیروگاه‌های خورشیدی روز سه‌شنبه به صورت ویدئوکنفرانسی و با حضور رئیس‌جمهور برگزار می‌شود. وزیر نیرو، مدیران عالی ساتبا و جمعی از مسئولان استانی نیز در این برنامه حضور خواهند داشت. این طرح‌ها شامل احداث و بهره‌برداری از نیروگاه‌های خورشیدی در ۱۲ ساختگاه واقع در استان‌های مرکزی، بوشهر، خراسان رضوی و تهران است که در مجموع ۳۹۵ مگاوات ظرفیت خواهند داشت.

ارزش سرمایه‌گذاری این پروژه‌ها ۱۱هزارو ۸۵۰میلیارد تومان است که با مشارکت بخش خصوصی و دولتی تأمین شده است. محسن طرزطلب، معاون وزیر نیرو و رئیس ساتبا اعلام کرده است در این برنامه ۹ نیروگاه خورشیدی با ظرفیت مجموع ۱۰۰مگاوات به بهره‌برداری می‌رسد و عملیات اجرایی سه نیروگاه جدید به ظرفیت مجموع ۲۹۵مگاوات آغاز خواهد شد. نیروگاه‌های آماده بهره‌برداری در ساوه، مامونیه، دیر و خراسان رضوی قرار دارند و پروژه‌های جدید در بوشهر و تهران اجرا خواهند شد.

کشورمان به دلیل برخورداری از تابش مناسب خورشید در بخش‌های وسیعی از کشور، ظرفیت بالایی برای توسعه انرژی خورشیدی دارد.

این پروژه‌ها با هدف تأمین برق پایدار، کاهش فشار بر شبکه در ساعات اوج مصرف و توسعه صنایع مرتبط با انرژی‌های پاک اجرا می‌شوند.

آگهی مزایده عمومی به شماره ۱۰۰۴۰۰۳۱۱۰۰۰۰۰۱

سازمان ملی استاندارد ایران
اداره کل استاندارد استان سمنان

اداره کل استاندارد استان سمنان در نظر دارد مزایده عمومی فروش یک دستگاه خودرو مزدا دوکابین دوگانه سوز، را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس WWW.SETADIRAN.IR برگزار نماید.

■ مبلغ ودیعه شرکت در مزایده: ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (ریال) به صورت یکی از موارد مندرج در آیین نامه تضمین معاملات دولتی.

■ مهلت دریافت اسناد مزایده: از ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ لغایت ۱۴۰۴/۰۵/۲۶

■ آخرین مهلت تحویل پیشنهادات: ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۵

■ بازگشایی پاکات: ساعت ۸ صبح تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۶

■ اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار: آدرس: سمنان - میدان استاندارد - نبش بلوار جوان - اداره کل استاندارد استان سمنان

تلفن: ۲-۳۳۳۷۰۸۸۱-۰۲۳

شناسه آگهی: ۱۹۸۱۷۴۰